

ENGLISH	فارسی
The United States and the Birth of Islamism What part did the United States play in creating radical Islam? By Robert Dreyfuss, January 18, 2006 https://www.theglobalist.com/united-states-birth-islamism/ Like monsters imbued with artificial life, radical <i>imams</i>, <i>mullahs</i> and <i>ayatollahs</i> stalk the landscape, thundering not only against the United States — but against freedom of thought, against secular science, against nationalism and the left, against women's rights. Some are terrorists, but far more are just medieval-minded religious fanatics who want to turn the calendar back to the seventh century. During the Cold War, from 1945 to 1991, the enemy was not merely the USSR. According to the Manichean rules of that era, the United States demonized leaders who did not wholeheartedly sign on to the U.S. agenda or who might challenge Western — and in particular U.S. — hegemony. Ideas and ideologies that could inspire such leaders were suspect: nationalism, humanism, secularism, socialism. But subversive ideas such as these were also the ones most feared by the nascent forces of Muslim fundamentalism. Throughout the Middle East, the Islamic right fought pitched battles against the bearers of these notions, not only in the realm of intellectual life — but also in the streets. During the decades-long struggle against Arab nationalism — along with Persian, Turkish and Indian nationalism — the United States found it politic to make common cause with the Islamic right. More broadly, the United States spent many years trying to construct a barrier against the Soviet Union along the Soviet's southern flank. The fact that all of the nations between Greece and China were Muslim gave rise to the notion that Islam itself might reinforce that Maginot Line-style strategy. Gradually, the idea of a green belt along the arc of Islam took form. The idea	آمریکا و ظهور اسلام‌گرایی آمریکا چه نقشی در ایجاد اسلام رادیکال داشت؟ [2] نوشته رابرت دریفوس، - نشریه گلوبالیست، ۱۸ ژانویه ۲۰۰۶ امامها، ملایان و آیت‌الله‌های رادیکال مانند هیولاهایی که به آنها حیات مصنوعی تزریق شده باشد، در کمین نشسته‌اند و نه تنها علیه آمریکا - بلکه علیه آزادی اندیشه، علیه علم دنیوی (سکولار)، علیه ملی‌گرایی و چپ‌گرایی، و علیه حقوق زنان - عریضه می‌کشند. [۱] برخی تروریست هستند، اما تعداد بسیار بیشتری از آنها صرفاً متعصبانی مذهبی با ذهنیت قرون وسطایی هستند که می‌خواهند تقویم را به قرن هفتم میلادی برگردانند. در طول جنگ سرد، از ۱۹۴۵ [ii] [iii] تا ۱۹۹۱، دشمن فقط اتحاد جماهیر شوروی نبود. طبق منطق دوگانگی صرف سیاسی [۳] آن دوران، آمریکا رهبرانی را که با تمام وجود به دستور کارش پایبند نبودند یا ممکن بود سلطه غرب - و به ویژه آمریکا - را به چالش بکشند، اهریمنی جلوه می‌داد. نظرات و ایدئولوژی‌هایی که می‌توانستند الهام‌بخش چنین رهبرانی باشند، مورد سوءظن بودند: ناسیونالیسم، انسان‌گرایی، سکولاریسم، سوسیالیسم. اما چنین نظرات "براندازانه" همان‌هایی بودند که نیروهای نوپای بنیادگرایی اسلامی از آن‌ها بیشترین هراس را داشتند. در سراسر خاورمیانه، راست اسلامی نه تنها در عرصه زندگی فکری - بلکه در خیابان‌ها نیز با حاملان این مفاهیم نبردهای سختی را آغاز کرد. در طول دهه‌ها مبارزه علیه ناسیونالیسم عرب - و نیز علیه ناسیونالیسم ایرانی، ترک و هندی - آمریکا همسو شدن با راست اسلامی را امری زیرکانه و مدبرانه ارزیابی کرد. به طور گسترده‌تر، آمریکا سال‌های بسیار کوشید تا مانعی در برابر اتحاد جماهیر شوروی در امتداد جبهه جنوبی آن کشور ایجاد کند. این واقعیت که همه ملت‌های بین یونان و چین مسلمان بودند، این تصور را ایجاد نمود که خود اسلام ممکن است آن استراتژی خط مازینو مانند را تقویت کند.

² مترجم: گرچه کتاب Devil's Game حاوی مجموعه‌ای ارزشمند از اطلاعات تاریخی از دوقرن پیش تا اوایل قرن ۲۱ است ولی گوشه‌های سایه‌روشن این واقعیات نیازمند واکاوی بیشتریست (مثلاً رابطه جمال‌الدین اسدآبادی با نشریه خبل‌المتین در مورد انقلاب مشروطیت چه بوده؟) مضافاً باید به خاطر داشت که غالباً موثرترین روایت گمراه کننده آنست که تنها بر بخشی از واقعیت تکیه کرده یا در ارائه راه حل مسائل تنها نیمی از ملزومات را بازگو نماید. مثلاً در صفحات آخر مقدمه کتاب مزبور، نویسنده پس از افشای نقش غرب در دمیدن به کوره بنیادگرایی در کشورهای جزو کمربند سبز اسلامی، راه حل مسأله را صرفاً در «قطع دخالت» در این کشورها میدانند. ولی دیدیم که در مورد افغانستان این راه حل در عمل تبدیل شد به سپردن دوباره کشور بدست طالبانی که این‌بار در قطر تربیت شده بودند و در ادامه کار از دولت آمریکا سالانه کمک مالی دریافت می‌کردند.

³ مترجم: روشی تبلیغاتی برای مصرف کسانیکه در قفس سادانگاری مانوی سیاسی (له یا علیه) اسیرند.

was not just defensive. Adventurous policy makers imagined that restive Muslims inside the Soviet Union's own Central Asian republics might be the undoing of the USSR itself — and they took steps to encourage them.

The United States played not with Islam — that is, the religion, the traditional, organized system of belief of hundreds of millions — but with Islamism. Unlike the faith, with 14 centuries of history behind it, Islamism is of more recent vintage.

It is a political creed with its origins in the late 19th century, a militant, all-encompassing philosophy whose tenets would appear foreign or heretical to most Muslims of earlier ages — and that still appear so to many educated Muslims today.

Whether it is called pan-Islam, or Islamic fundamentalism or political Islam, it is an altogether different creature from the spiritual interpretation of Muslim life as contained in the Five Pillars of Islam.

The mutant ideology that the United States encouraged, supported, organized or funded is, in fact, a perversion of that religious faith.

It is the same one variously represented by the Muslim Brotherhood, by Ayatollah Khomeini's Iran, by Saudi Arabia's ultra-orthodox Wahhabism, by Hamas and Hezbollah, by the Afghan jihadis — and by Osama bin Laden.

Long before the advent of the George W. Bush Administration, the United States found political Islam to be a convenient partner during each stage of the U.S. empire-building project in the Middle East.

This is true from its early entry into the region to its gradual military encroachment, to its expansion into an on-the-ground military presence — and finally to the emergence of the United States as an army of occupation in Iraq and Afghanistan.

In the 1950s, the enemy was not only Moscow, but the Third World's emerging nationalists — from Gamal Abdel Nasser in Egypt to Mohammed Mossadegh in Iran.

The United States and Britain used the Muslim Brotherhood, a terrorist movement and the grandfather organization of the Islamic right, against Nasser, the up-and-coming leader of the Arab nationalists.

به تدریج، ایده کمر بند سبز در امتداد هلال اسلام شکل گرفت. این ایده فقط دفاعی نبود. سیاست‌گذاران ماجراجو تصور می‌کردند که مسلمانان سرکش در جمهوری‌های آسیای مرکزی اتحاد جماهیر شوروی ممکن است باعث نابودی خود شوروی شوند - و آنها گام‌هایی برای تشویق اینها برداشتند.

آمریکا نه با اسلام - یعنی دین، سیستم سنتی و سازمان‌یافته اعتقادی صدها میلیون نفر - بلکه با اسلام‌گرایی بازی کرد. برخلاف این دین که ۱۴ قرن سابقه تاریخی دارد، اسلام‌گرایی محصول جدیدتری است. [4]

این اسلام‌گرایی مرامی سیاسی است که ریشه‌های آن در اواخر قرن نوزدهم نهفته است iv، یک فلسفه ستیزه‌جو و فراگیر که اصول آن برای اکثر مسلمانان اعصار پیشین بیگانه یا بدعت‌آمیز به نظر می‌رسید - و هنوز هم برای بسیاری از مسلمانان تحصیل‌کرده امروز اینگونه به نظر می‌رسد.

این مرام چه پان‌اسلام نامیده شود، چه بنیادگرایی اسلامی یا اسلام سیاسی، موجودی کاملاً متفاوت از تفسیر معنوی زندگی مسلمانان است که در پنج رکن اسلام آمده است. ایدئولوژی جهش‌یافته‌ای که آمریکا آن را تشویق، حمایت، سازماندهی یا تأمین مالی می‌کرد، در واقع انحرافی از آن ایمان مذهبی است.

این همان ایدئولوژی‌ای است که به طرق مختلف توسط اخوان المسلمین، ایران آیت‌الله خمینی، وهابیت فوق ارتجاعی عربستان سعودی، حماس و حزب‌الله، جهادی‌های افغان - و اسامه بن لادن - نمایندگی می‌شود.

مدت‌ها قبل از ظهور دولت جورج دبلیو بوش، آمریکا در تمام مراحل پروژه امپراتوری‌سازی خود در خاورمیانه اسلام سیاسی را شریک مناسبی یافت.

این امر از ورود اولیه آمریکا به منطقه تا تجاوز نظامی تدریجی آن، تا گسترش آن به حضور نظامی زمینی - و در نهایت تا ظهور آمریکا به عنوان ارتش اشغالگر در عراق و افغانستان - صادق است.

در دهه 1950، نه تنها مسکو، بلکه ملی‌گرایان نوظهور جهان سوم - از جمال عبدالناصر در مصر تا محمد مصدق در ایران - دشمن قلمداد میشدند.

آمریکا و بریتانیا از اخوان المسلمین، که یک جنبش تروریستی و سازمان سلف راست‌گرایان اسلامی است، علیه ناصر، رهبر نوظهور ملی‌گرایان عرب، استفاده کردند.

4 مترجم: با این گفته "دنیاداران" نویسنده مخالفم و بر پایه شناخت شخصی خود بر این باورم که این گرایش افراطی از همان صدر اسلام بر مخیله شمشیرزنان و قمه‌کشان این دین تمامیت‌خواه مستولی بوده است.

In the CIA-sponsored coup d'etat in Iran in 1953, the United States secretly funded an *ayatollah* [https://en.wikipedia.org/wiki/Abol-Ghasem_Kashani, venerated by the IRI today] who had founded the Devotees of Islam [https://en.wikipedia.org/wiki/Fada%27iyan-e_Islam, a predecessor of one of the main components of Khomeini's inner circle], a fanatical Iranian ally of the Muslim Brotherhood.

Later in the same decade, the United States began to toy with the notion of an Islamic bloc led by Saudi Arabia as a counter point to the nationalist left.

In the 1960s, despite U.S. efforts to contain it, left-wing nationalism and Arab socialism spread from Egypt to Algeria to Syria, Iraq and Palestine. To counter this seeming threat, the United States forged a working alliance with Saudi Arabia, intent on using its foreign policy arm, Wahhabi fundamentalism.

The United States joined with King Saud and Prince Faisal (later King Faisal) in pursuit of an Islamic bloc from North Africa to Pakistan and Afghanistan.

Saudi Arabia founded institutions to mobilize the Wahhabi religious right and the Muslim Brotherhood. Saudi-backed activists founded the Islamic Center of Geneva (1961), the Muslim World League (1962), the Organization of the Islamic Conference (1969) and other organizations that formed the core of an international Islamist movement.

Even after the Iranian revolution of 1979, the United States and its allies failed to learn the lesson that Islamism was a dangerous, uncontrollable force. The United States spent billions of dollars to support an Islamist jihad in Afghanistan, whose mujahideen were led by Muslim Brotherhood-allied groups.

The United States also looked on uncritically as Israel and Jordan covertly aided terrorists from the Muslim Brotherhood in a civil war in Syria. And it looked on as Israel encouraged the spread of Islamism among Palestinians in the occupied territories, helping to found Hamas. And in the United States itself, neoconservatives joined the CIA's Bill Casey in the 1980s in secret deals with Iran's Ayatollah Khomeini.

در کودتای تحت حمایت سیا در ایران در سال 1953، آمریکا مخفیانه آیت‌اللهی [5] را تأمین مالی کرد که فدائیان اسلام [6] متحد متعصب ایرانی اخوان المسلمین را تأسیس کرده بود [7].

بعدها در همان دهه، آمریکا با مفهوم یک بلوک اسلامی به رهبری عربستان سعودی به عنوان نقطه مقابل چپ ملی‌گرا شروع به بازی کرد. در دهه 1960 ناسیونالیسم چپ و سوسیالیسم عربی از مصر تا الجزایر و سوریه، عراق و فلسطین علیرغم تلاش‌های آمریکا برای مهار آن گسترش یافت. برای مقابله با این بظاهر تهدید، آمریکا با عربستان سعودی اتحادی کارآمد ایجاد کرد و قصد داشت از بازوی سیاست خارجی خود، یعنی بنیادگرایی وهابی، استفاده کند.

آمریکا با ملک سعود و شاهزاده فیصل (که بعدها ملک فیصل شد) در پی ایجاد یک بلوک اسلامی از شمال آفریقا تا پاکستان و افغانستان بود.

عربستان سعودی نهادهایی را برای بسیج راست مذهبی وهابی و اخوان المسلمین تأسیس کرد. فعالان تحت حمایت عربستان سعودی مرکز اسلامی ژنو (1961)، لیگ جهانی مسلمانان (1962)، سازمان کنفرانس اسلامی (1969) و سایر سازمان‌هایی را تأسیس کردند که هسته اصلی یک جنبش بین‌المللی اسلام‌گرا را تشکیل می‌دادند.

حتی پس از انقلاب ایران در سال 1979، آمریکا و متحدانش نتوانستند این درس را بیاموزند که اسلام‌گرایی نیرویی خطرناک و غیرقابل مهار کردن است. آمریکا میلیاردها دلار برای حمایت از جهاد اسلامی در افغانستان هزینه کرد، مجاهدینی که توسط گروه‌های متحد اخوان المسلمین رهبری می‌شدند.

آمریکا همچنین بدون هیچ انتقادی نظاره‌گر کمک مخفیانه اسرائیل و اردن به تروریست‌های اخوان المسلمین در جنگ داخلی سوریه، و نیز نظاره‌گر تشویق اسرائیل به گسترش اسلام‌گرایی در میان فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی و کمک به تأسیس حماس بود. و در خود آمریکا، نومحافظه‌کاران در دهه 1980 در معاملات مخفیانه با آیت‌الله خمینی ایران به ویلیام کیسی رئیس سازمان سیا پیوستند.

تا اینکه در دهه 1990، زمانی که جنگ سرد تمام شد، سودمندی سیاسی راست اسلامی زیر سؤال رفت. برخی از استراتژیست‌ها استدلال می‌کردند که اسلام سیاسی یک تهدید جدید است، "ایسم" جدیدی که به عنوان دشمن جهانی آمریکا جایگزین کمونیسم می‌شود.

توضیحات مترجم :

⁵ ابوالقاسم کاشانی (https://en.wikipedia.org/wiki/Abol-Ghasem_Kashani) که جمهوری اسلامی در گرامیداشت صدمین سالگرد تولدش تمبر پستی منتشر کرده است.

⁶ سلف یکی از حلقه‌های اصلی پیرامون روح‌الله خمینی (https://en.wikipedia.org/wiki/Fada%27iyan-e_Islam)

⁷ این گفته شاید اشتباه باشد زیرا تا آنجا که در نوشته‌های عمومی درج شده، فدائیان اسلام را مجتبی میرلوحی (معروف به نواب صفوی) بنیان گذاشت که البته مورد حمایت کاشانی بود.

By the 1990s, when the Cold War was over, the political utility of the Islamic right seemed questionable. Some strategists argued that political Islam was a new threat, the new "ism" replacing communism as America's global opponent.

That, however, wildly exaggerated the power of a movement that was restricted to poor, undeveloped states. Still, from Morocco to Indonesia, political Islam was a force that the United States had to deal with. Washington's response was muddled and confused.

And then came 9/11. After 2001, the Bush Administration appeared to sign on to the neoconservative declaration that the world was defined by a "clash of civilizations." It launched its global war on terrorism, targeting al Qaeda — the most virulent strain of the very virus that the United States had helped create.

Still, before, during and after the invasion of Iraq — a socialist, secular country that had long opposed Islamic fundamentalism — the United States actively supported Iraq's Islamic right.

It did so by overtly backing Iraqi Shiite Islamists, from Ayatollah Ali al-Sistani to radical Islamist parties such as the Supreme Council for Islamic Revolution in Iraq and the Islamic Call (Al-Dawa) — both of which are also supported by Teheran's mullahs.

We should be mindful of that troubling history. When we now fear all those Islamists, we do well to remember just who helped spawn them.

=====

Adapted from "Devil's Game" ^[1] by Robert Dreyfuss, published by Metropolitan Books, an imprint of Henry Holt And Company Publishers.

اگر چه این تفکر به شدت در توان جنبشی که محدود به کشورهای فقیر و توسعه نیافته بود عراق می‌نمود، ولی از مراکش تا اندونزی، اسلام سیاسی نیرویی بود که آمریکا باید با آن مقابله می‌کرد. در این زمینه پاسخ واشنگتن گنگ و مبهم بود. و سپس یازده سپتامبر از راه رسید. پس از سال 2001، به نظر می‌رسید دولت بوش اعلامیه نومحافظه‌کاران مبنی بر اینکه جهان با «برخورد تمدن‌ها» تعریف می‌شود را امضا کرده باشد. این دولت جنگ جهانی خود علیه تروریسم را آغاز کرد و القاعده را هدف قرار داد — و القاعده مهلک‌ترین نوع همان ویروسی بود که آمریکا در ایجاد آن نقش داشت.

با این حال، هم پیش از و هم طی و هم پس از حمله به عراق - کشوری سوسیالیستی و سکولار که مدت‌ها با بنیادگرایی اسلامی مخالف بود - آمریکا به طور فعال از جناح راست اسلامی عراق حمایت کرد.

آمریکا این کار را با حمایت آشکار از اسلام‌گرایان شیعه عراقی، از آیت‌الله علی سیستانی گرفته تا احزاب اسلام‌گرای رادیکال مانند مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و حزب الدعوة - که هر دو مورد حمایت ملاهای تهران نیز هستند، انجام داد.

ما باید همواره این تاریخ‌آزاردهنده را مدّ نظر قرار دهیم. و اینک هنگامی که از این خیل اسلام‌گراها هراس داریم، خوب است به یاد داشته باشیم که چه کسی به کاشتن بذیشان کمک کرده است.

=====

اقتباس از کتاب «بازی شیطانی» [8] نوشته رابرت دریفوس، انتشارات متروپولیتن، زیرمجموعه انتشارات هنری هولت و شرکا.

¹ **Devil's Game** : How the United States Helped Unleash Fundamentalist Islam (American Empire Project)

– October 3, 2005

by [Robert Dreyfuss](#) (Author)

From the Back Cover: The First Complete Investigation of America's Most Dangerous Foreign Policy Miscalculation: Sixty Years of Support for Islamic Fundamentalism

https://archive.org/details/devilsgame_201907/

Video (January 2006): Devil's Game | Robert Dreyfuss <https://www.youtube.com/watch?v=P6-9sXzFuKc>

⁸ مترجم : گر چه او در این کتاب به استراتژی «کمربند سبز اسلامی» آمریکا اشاره میکند و نیز از برژینسکی مشاور امنیت ملی حیل‌گر دولت کارتر نام میبرد ولی قدرت گرفتن خمینی و ایجاد جمهوری اسلامی در ایران را ناشی از درک نادرست دولت آمریکا از اسلام‌گرایان ایران ارزیابی نمی‌ماید. بنظر میرسد که چنین توضیحی ناشی از احتیاط منابع اطلاعاتی وی و کتمان این حقیقت باشد که دولت آمریکا خمینی را دقیقاً به دلیل شناختی که از نوشته‌های بنیادگرایانه‌اش و سابقه او در دهه ۱۳۳۰ و به ویژه نقش وی در واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ داشت برگزید.

From the author's Website <https://thedreyfussreport.com>:

Bob Dreyfuss is an independent, investigative journalist based in Cape May, New Jersey, and New York, specializing in politics and national security. He is a contributing editor at The Nation, and he has written extensively for Rolling Stone, Mother Jones, The American Prospect, The New Republic, and many other magazines. He has appeared on numerous radio and television programs, including the PBS Newshour, Fox News, Democracy Now!, and MSNBC's "Morning Joe." He has traveled widely and reported from Iran, Vietnam, China, and Tanzania. He is the author of

"Devil's Game: How the United States Helped Unleash Fundamentalist Islam" ^v



Covering Iran's 2009 presidential election in Tehran.

از تارنمای نویسنده <https://thedreyfussreport.com> :

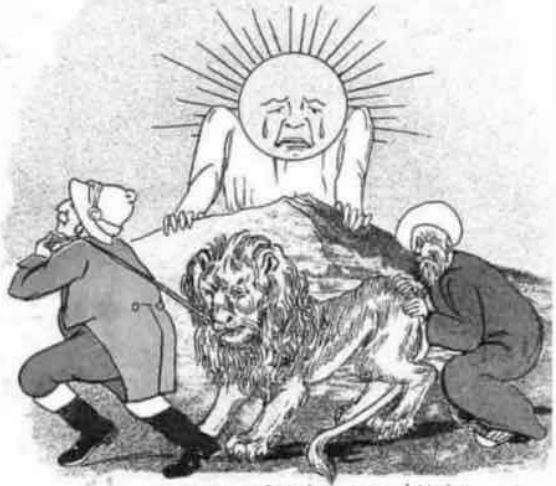
باب دریفوس روزنامه‌نگار مستقل و محقق ساکن کبپ می، نیوجرسی و نیویورک است که در زمینه سیاست و امنیت ملی تخصص دارد. او دبیر همکار در روزنامه «نیشن» است و مطالب بسیاری برای رولینگ استون، مادر جونز، امریکن پراسپکت، نیو ریپابلیک و بسیاری از مجلات دیگر نوشته است. او در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی متعددی از جمله «ساعت خبر» PBS، فاکس نیوز، «دموکراسی ناو!» و «مورنینگ جو» MSNBC حضور داشته است. وی گسترده سفر کرده و از ایران، ویتنام، چین و تانزانیا گزارش تهیه نموده است. او نویسنده این کتاب است :

« بازی شیطانی: چگونه آمریکا اسلام بنیادگرا را به جان مردم انداخت »



پوشش انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۲۰۰۹ در تهران.

توضیح مترجم: به هر حال بسیاری از رهبران این جماعت از دیر باز در خدمت قدرتهای بزرگ بوده‌اند. این هم نمونه‌هایی از طنز نشریه "ملا نصرالدین" در یک قرن پیش در گواه این مطلب:

۲	۱
https://womanandthoughts.com/history-through-caricatures/ برشی از نشریه‌ی ملانصرالدین ۲۴ امرداد ۱۳۰۴ خورشیدی - ۱۵ اوت ۱۹۲۵ میلادی جدایی شیر از خورشید توضیح کاریکاتور: این کاریکاتور در سال پایانی دودمان قاجار و در دوران شوروی در قفقاز جنوبی در نشریه ملانصرالدین چاپ شده و فرد جلویی نماد انگلستان است که یک خائن داخلی هم از پشت او را یاری می‌کند. زیر کاریکاتور از زبان شیر نوشته شده است: "دالیدان ایتله‌یین اولماسا، باشمدان چکن بر غلط ایلپه‌بیلمز" برگردان به پارسی: اگر کسی که از عقب هل می‌دهد نباشد آنی که از جلو من را می‌کشد هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.  شیر - دالیدان ایتله‌یین اولماسا باشمدان چکن بر غلط ایلپه‌بیلمز.	https://www.instagram.com/p/DCESiCrq_o8/ تصویری از شماره ۱ نشریه ملانصرالدین، 7 آوریل 1906، فروردین ۱۲۸۵ - گربه شیر است در گرفتن موش لیک موش است در مصاف پلنگ "ظاهراً یک نظامی روس در حال دادن نشان به پیش‌نماز است. ممکن است منظورش شیخ الاسلام قفقاز باشد که از جانب روسیه انتخاب می‌شود. - ... اشاره به اینست که علمای اعلام که در مورد طهارت و نجاست احکام شداد و غلاظ در حق مردم بیچاره ممالک محروسه اعم از مسلمان و مسیحی و... صادر میکنند، وقتی سالدات روس با پوتین روی جانماز امام جماعت می‌آید خود را به ندیدن زده و همچنان شاکرند."  گربه شیر است در گرفتن موش لیک موش است در مصاف پلنگ.

نشریه فکاهی-انتقادی «ملا نصرالدین» در سال‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۳ میلادی به زبان ترکی آذری در تفلیس (گرجستان کنونی) چاپ می‌شد. این نشریه که ادبیات مشروطه ایران را نیز تحت تأثیر خود قرار داده بود، بعدها مدتی نیز در تبریز و سپس باکو چاپ شد و چند سال پس از تأسیس حکومت شوروی تعطیل شد.

https://archive.org/details/20250310_20250310_0139

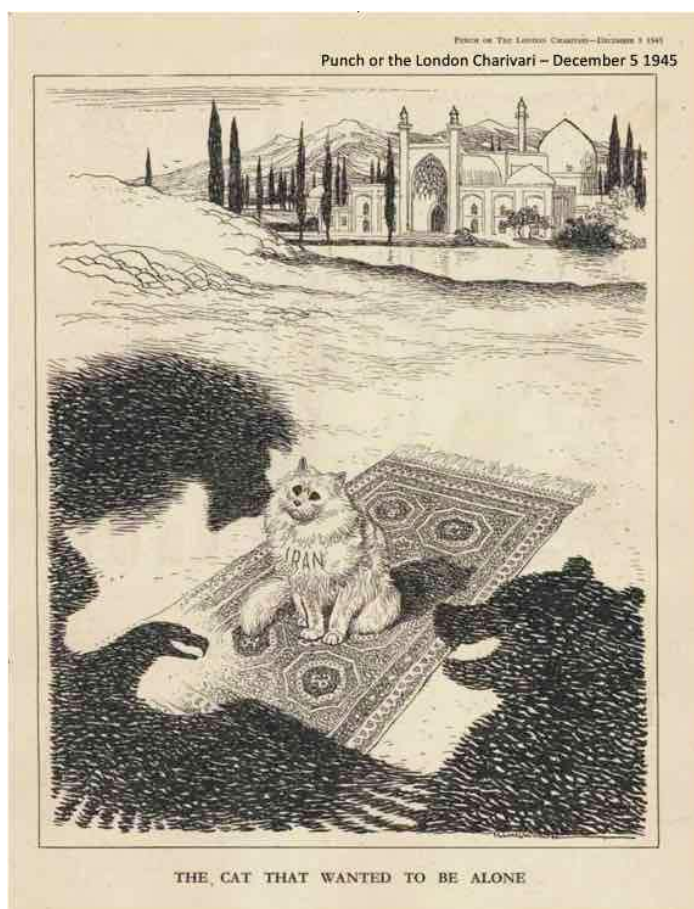
https://archive.org/download/20250310_20250310_0139

ii توضیح مترجم از قول منبعی دیگر: توافقنامه موسوم به کوینسی در روز 14 ماه فوریه 1945 نقطه عطفی بود که موقعیت آمریکا را در خاورمیانه بعنوان قدرت برتر و جایگزین قدرت تحلیل رفته امپراطوری بریتانیا رسمیت بخشید. در آنروز، فرانکلین روزولت رئیس جمهور آمریکا که از سومین و آخرین نشست خود با چرچیل و استالین در یالتا باز می‌گشت و راهی آمریکا بود، با عبدالعزیز ابن سعود پادشاه عربستان سعودی در عرشه یک رزمنه آمریکایی به نام یواس‌اس کوینسی در کانال سوئز دیدار کرد. این رویداد آغاز طولانی‌ترین رابطه آمریکا با یک کشور عربی بود.

<https://www.brookings.edu/articles/75-years-after-a-historic-meeting-on-the-uss-quincy-us-saudi-relations-are-in-need-of-a-true-re-think/>
COMMENTARY - 75 years after a historic meeting on the USS Quincy, US-Saudi relations are in need of a true re-think. – Bruce Riedel Feb. 10, 2020



iii توضیح مترجم: هفت ماه پی از پایان جنگ جهانی دوم نشریه "پانچ" تهدید قدرتهای بزرگ بر ایران را به سایه‌های انگلیس و آمریکا و روسیه تشبیه میکند:



Artist: Leslie Illingworth.

<https://propaganda.pictures/archives/8606>

iv توضیح مترجم : سید جمال‌الدین اسدآبادی معروف به افغانی، متولد همدان : https://en.wikipedia.org/wiki/Jamal_al-Din_al-Afghani



v روی جلد کتاب « بازی شیطانی: چگونه آمریکا اسلام بنیادگرا را به جان مردم انداخت »

